



(۱۹)

مبارزه امام موسی بن جعفر (ع) با

تجرباتی هارون الرشید

يك روز هزینة يك لقمه غذای هارون را بر آورد کردند ۴۰۰ هزار درهم شد!

و تا کتیک او در اداره امور و نیز موقعیت امام کاظم (ع) در برابر این مسائل، مورد بررسی قرار گیرد.

قلمرو حکومت هارون

در زمان هارون حکومت بغداد برخلاف حکومت‌های گذشته عباسی، فوق‌العاده نیرومند و مقتدر بود و قلمرو نفوذ و تسلط آن تقریباً در تمام نقاط مسلمان نشین، گسترش یافته بود بطوری که منطقه وسیعی مثل مصر، تنها یکی از استانهای آن بشمار می‌رفت.

قلمرو حکومت و تسلط هارون بقدری توسعه یافته بود که می‌گویند: «روزی او به پشت خوابیده بود، ابری گذران را دید و گفت: هر جا خواهی برو که خراج تو بسوی من خواهد آمد!» (۱)

پس از آنکه «هادی عباسی» بدنبال یکسال ونیم خلافت، بطور مرموزی درگذشت، برادرش «هارون» بجای وی برمسند خلافت تکیه زد. با آغاز خلافت هارون، فصل پرماجرایی در تاریخ اسلام آغاز گشت که بازتاب آن مدت‌ها در جامعه اسلامی نمایان بود.

هارون مدت بیست و سه سال حکومت کرد که پانزده سال آن همزمان با امامت پیشوای هفتم بود. در این مدت حوادث مختلفی رخ داد که تشریح آنها به روشن شدن ماهیت حکومت هارون و موقعیت پیشوای هفتم در برابر آن، کمک می‌کند، از این رو لازم است در این بحث، طرز حکومت هارون و روش

۱- تاریخ سیاسی اسلام ج ۲ ص ۵۹-صبح الاعشی تألیف ابی العباس احمد بن علی قفلقشندی (۸۲۱هـ)

نبود و مردم؛ آن را بامیل و رغبت نمی برداختند بلکه به زور از آنان گرفته می شد. و از سوی دیگر اغلب آن در مصارف حقیقی و در مسیر منافع جامعه مصرف نمی گشت بلکه صرف عیش و خوشگذرانی هارون و درباریان و وابستگان اومی گشت .

«یعقوبی» مورخ معروف می نویسد :

هارون کارگران و دهقانان و کشاورزان و بازرگانان غلات و حبوبات را برای گرفتن مالیات زیر فشار گذاشت و شخصی بنام «عبدالله بن هبثم» را مأمور وصول مالیات از آنان کرد، عبدالله با انواع آزار و اذیت، خراج و مالیات را از آنان مطالبه کرد.

روزی «فضیل بن عیاض» (یکی از مردان وارسته و آزاده و با شهامت که از انتقاد و اعتراض به اعمال ناروای هارون فروگذار نمی کرد) وارد دربار خلافت شد، دید مردم را برای پرداخت مالیات بازداشت نموده اذیت می کنند، گفت: دست از اذیت مردم بردارید، زیرا شنیده ام پیامبر اسلام (ص) فرموده است: «هر کس مردم را در دنیا اذیت کند؛ خداوند او را روزستاخیز عذاب خواهد کرد»

آن سال در اثر سخنان «فضیل»، هارون از شدت عمل خود کاست و مردم از گرفتاریها و آزار مأموران خراج و مالیات ناهدی خلاص شدند (۳)

* * *

اگر بپو لهائی که به این کیفیت از مردم گرفته می شد، در راه عمران و آبادی کشور و رفاه و آسایش

بهمن علت، سیل مالیات و خراج و درآمدهای مختلف دیگر، بسوی بغداد سرازیر شده ثروتهای بی شماری در دربار هارون گرد آمده بود بطوری که در زمان خلفای قبلی هرگز چنین عواید سرشاری سابقه نداشت. حکومت هارون در اثر همین عواید سرشار، بصورت يك امپراطوری وسیع و ثروتمند در آمده رنگ اشراقی به خود گرفت و چهره حکومت اسلامی آنچنانکه پیامبر اسلام بنیان گذارده بود تغییر صورت داد.

«دکتر حسن ابراهیم حسن» می نویسد:

«در زمان هارون از خراج و مالیات ولایات، هفتاد و دو میلیون دینار نرسد به خزانه می رسد و این غیر از سهم مالیات جنسی بود که از حاصل اراضی دریافت می شد» (۱)

«جهشیماری» می نویسد:

«جمع بر آورد طلای نقد در زمان حکومت هارون بالغ بر پنج میلیون دینار، و نقره مسکوک، مبلغ چهار صد و چهار میلیون و هفتصد و هشت هزار درهم بود» (۲)

این دو رقم، حجم فوق العاده عواید حکومت هارون را بخوبی نشان می دهد مخصوصاً با توجه به اینکه آن روز، پول، ارزش زیادی داشت و اجناس مختلف به قیمت بسیار نازلی که بهیچوجه قابل مقایسه با امروز نبود، به فروش می رسید .

ولی این درآمدها همه، درآمد قانونی و مشروع

۱- تاریخ سیاسی اسلام ج ۲ ص ۵۹

۲- الوزراء والکتاب ص ۳۶۳

۳- تاریخ یعقوبی ج ۳ ص ۱۵۲

— یعنی چه؛ چگونه ممکن است يك لقمه غذا چهارصد هزار درهم تمام شود؟

— اگر خلیفه بخاطر داشته باشند، مدتی پیش؛ روزی از آشپز، گوشت شتر جوان خواستید، آشپز چنین غذایی نپخته بود، من از آن روز دستور دادم غیر از غذاهای دیگر، هر روز يك شتر جوان بکشند و از گوشت آن غذا تهیه کنند؛ از آن تاریخ تا امروز مبلغ چهارصد هزار درهم صرف خرید شتر مخصوص جهت آشپزخانه شده است و خلیفه فقط امروز اظهار تمایل به خوردن آن نموده اندا به این دلیل گفتم که این يك لقمه چهارصد هزار درهم تمام شده است! (۲) آری بگفته مورخان بر سر سفره رشید غذاهای گوناگون بود و آشپزها هر روز سی جور غذا برای او تهیه می کردند و هر روز ده هزار درهم خرج سفره خلیفه بود! (۳)

۲ — روزی رشید خنده کنان از کاخ همسرش «زبیده» بیرون آمد، وقتی علت خنده او را پرسیدند؛ گفت: من در منزل زبیده خوابیده بودم؛ در اثر صدای ریختن سکه های طلا از خواب بیدار شدم؛ گفتند: این سکه ها سیصد هزار است که از مصرفر ستاده شده است. زبیده گفت: پسرعمو! اینها را به من ببخش؛ من سکه ها را به وی دادم؛ وقتی که بیرون می آمدم؛ از پشت سر صدای زبیده را شنیدم که می گفت: این چه پول ناچیزی بود که هارون به من داد، من هرگز از او چیزی ندیده ام! (۴)

مردم مصرف می شد، قابل توجیه بود، اما چنانکه اشاره شد این پولها اغلب صرف زندگی مجلل و اشرافی هارون و وابستگان اومی شد و برای آراستن بزم های با شکوه و پرطمطراق، و رنگین ساختن بساط عیش او به کار می رفت و برای مردم، جز محرومیت و فشار و سختی نمره ای نداشت.

در اینجا برای آنکه میزان اسراف و ریخت و پاش دستگاه خلافت هارون روشن شود، به دو نمونه از وضع داخلی دربار هارون اشاره می کنیم:

يك لقمه غذا چهارصد هزار درهم!

۱ — روزی هارون آشپز مخصوص خود را احضار نمود و گفت: آیا غذایی از گوشت «جزور» آماده کرده ای؟ (۱)

آشپز گفت: بلی، انواع این غذا را آماده کرده ام. رشید گفت: همراه غذاها از آن هم بیاور هنگامی که سفره گسترده شد و غذاها را چیدند، هارون لقمه ای از غذای گوشت شتر برداشت و در دهان گذاشت، در این هنگام «جعفر برمکی» (وزیر هارون) خندید؛ هارون علت خنده او را سؤال نمود، جعفر از گفتن علت واقعی طفره رفت، سرانجام در اثر اصرار هارون گفت:

بنظر خلیفه این يك لقمه غذا برای شما چقدر تمام شده است؟

— چهار درهم!

— نه، بلکه چهارصد هزار درهم!

۱ — جزور در زبان عرب؛ به شتر جوانی گفته میشود که وارد ششمین سال خود شده باشد.

۲ — البداية و النهایة ج ۱۰ ص ۲۱۶

۳ — البداية و النهایة ج ۱۰ ص ۲۱۹

۴ — تاریخ سیاسی اسلام ج ۲ ص ۳۰۴

و بوق او قائل شود؛ با کمال صراحت فرمود :

— این خانه؛ خانه فاسقان است ؛ همان کسانی که خداوند درباره آنان می فرماید:

« کسانی را که خود را روی زمین بزرگ پنداشته تکبر می کنند و هر آیه ای از آیات الهی را به بیندایمان نمی آورند و اگر راه راست ورشد و کمال ببینند؛ آن را در پیش نمی گیرند ؛ ولی هرگاه راه گمراهی ببینند؛ آن را طی می کنند؛ از (مطالعه و درک) آیات خود منصرف خواهیم کرد زیرا آنان آیات ما را تکذیب نموده از آن غفلت ورزیده اند» (۱)

هارون از این پاسخ ؛ سخت ناراحت شد و در حالی که خشم خود را به سختی پنهان می کرد، با التهاب پرسید :

— پس این خانه از آن کیست؟

امام بیدرنگ فرمود :

— (اگر حقیقت را می خواهی) این خانه از آن شیعیان و پیروان ما است ولی دیگران با زور قدرت؛ آن را تصاحب نموده اند.

— اگر این قصر از آن شیعیان است ؛ پس چرا صاحب خانه؛ آن را باز نمی ستاند؟

— این خانه در حال عمران و آبادی از صاحب اصلیش گرفته شده است و هر وقت بتواند آن را آباد سازد، پس خواهد گرفت ! (۲)

اینها نمونه های مختصری از حیف و میل اموال عمومی و بیت المال مسلمانان و صرف آن در راه هوسرانیها و تجمل پرستیهای دستگاه خلافت هارون بود که از نظر خوانندگان گذشت

* * *

در اینجا این سؤال پیش می آید که در برابر این وضع، عکس العمل پیشوای هفتم چه بود؟

پاسخ : اگرچه مردم (به استثنای تنی چند از رجال آزاد منش) از ترس دژخیمان رشید لب از انتقاد و اعتراض بسته بودند؛ ولی پیشوای هفتم هرگز به اعمال ناروای رشید صحنه نمی گذاشت . امام کاظم (ع) همواره مخالف روش هارون بود و از رفتار ضد اسلامی او انتقاد می کرد. در اینجا برای آنکه موقعیت آن حضرت در برابر حکومت خود-کامه هارون روشن شود؛ به یکی از موارد برخورد صریح آن بزرگوار (ع) با وی اشاره می گردد:

این قصر از آن کیست؟

روزی پیشوای هفتم وارد یکی از کاخهای بسیار مجلل و با شکوه هارون در بغداد شد؛ هارون که مست قدرت و حکومت بود؛ به قصر خود اشاره نموده با نخوت تکبر پرسید:

این قصر از آن کیست؟ نظری از این جمله آن بود که شکوه و قدرت خود را به رخ امام بکشد؛ حضرت بدون آنکه کوچکترین اهمیتی به کاخ پرزرق

۱- سأصرف عن آیاتی الذین یتکیرون فی الارض بغیر الحق وان یروا کل آیه لایؤمنوا بها وان یروا سبیل الرشد لایتخذوه سبیلان یروا سبیل النی یتخذوه سبیلا ذلک بانهم کذبوا بآیاتنا وکانوا عنها عافین (اعراف آیه ۱۲۶)

۲- بحار الانوار ج ۴۸ ص ۱۳۸- تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۳۰ تفسیر برهان ج ۲ ص ۳۷